

## "حقوق بشر اسلامی" فریبی بیش نیست

اکبریت قاطع ایرانیان، رژیم جمهوری اسلامی را به مشابه یکی از فریبکارترین و ریاکارترین رژیم های جهان می شناسند. آنان در جریان زندگی حادث کرده اند انواع شمارها را درباره مبارزه با آمریکا و اسرائیل بشنوند، اما در عمل نظاره گر روایت افسکار و پنهان اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی رژیم "ولایت فقیه" با این کشورها باشند، یا بطور دائم به سخنخان ملال آور سران رژیم پیرامون ضرورت توجه به "مستضيقان" گوش فرا دهند. اما هرروز قیطری و محروم تر گردند. مسئله حقوق بشر در جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست و در این عرصه نیز عمان قانونتدی حاکم است. در عین حال، تجربه دور و نزدیک نشان می دهد که پایپای تصفیح حاکمیت و محدود تر شدن پایکاه اجتماعی آن و نیز رسوایی کسترده اش در سطح جهان، عنصر فریب و ریا بروزه در زمینه مسائل مربوط به حقوق بشر جای بیشتری و در سیاست رژیم اشغال می کند.

تصفیح عمومی رژیم "ولایت فقیه" و نیاز روزافزونش به جهان خارج، گرداندگان آن را واداشت تا پس از مقاومت بلوجانه به بازدید شاهنده وغیره کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از ایران تن دردهند. اما همانکونه که انتظار می رفت، رهبران جمهوری اسلامی با تمام توان کوشیدند تا در این عقب نشینی ناگزیر نیز با درهم شکستن تمام مرزهای وفاخت و بیشمری، مسائل را به نفع خویش حل و فصل کنند.

در این راستا تبلیغات آنان صدمت بر روی دو محور متمرکز شد: اول اینکه مخاطبان خود را متقدع سازند که گواه گزارش اقای گالیندویل کاملا در جهت تائید جمهوری اسلامی است، و دیگر تکرار ادعاهای قدیمی پیرامون به اصطلاح حقوق بشر اسلامی.

در زمینه نخست، پلاقالسه پس از انتشار گوارش فرستاده ویژه کمیسیون حقوق بشر، چنگال بیسابقه ای در سطح رادیو تلویزیون و مطبوعات مجاز جمهوری اسلامی پیا خاست. گفته می شد که گواه گزارش ریتالدو-گالیندویل "تبلیغات مغرضانه گروهکها" را نوش برآب کرده و بر "حقانیت" جمهوری اسلامی مهر تائید زده است. در این هیاوی پیشترمانه کار به آنچه رسید که حتی خامنه ای "رسانه های بزرگ جهانی" را بخطار خودداری از انتشار گزارش غایبند سازمان داده است.

ادame در صن ۸

## هم میهنان! آزادیخواهان!

هرای لجاجات جان

نورالدین کیانوری و مریم فیروز  
دست یاری بسوی شما دراز می کنیم!

جان رفقا نورالدین کیانوری و مریم فیروز در معرض خطر جدی است. این دو زندانی سیاسی از فروردین ماه سال جاری ممنوع الملاقات شده اند.

ما از شما می طلبیم هرای لجاجات جان این دو شخصیت سیاسی و اجتماعی که سراسر زندگی خود را فداکارانه صرف پیکار در امور زحمتکشان کرده اند و همچنین آزادی همه زندانیان سیاسی، باشگ اعراض خود را رساتر سازید.

## سرنوشت رژیم و مسئله "دندان های عقل"

روزنامه "اطلاعات" (۱۷ اسفند ماه ۶۸) در ستون "تقدیم" تفسیر کوتاهی منتشر کرده که بسیار جالب است. در تفسیر "اطلاعات" گفته می شود، "اگر در سخن و تحلیل اندازه نگه دادار و نابهانگام و نابروزه سخن بگوییم، بجای آنکه سخن و کلام ما بر وحدت ملی و انسجام امور و قوت انقلاب و اعتماد مردم بیافزاید، تیجه عکس می گیریم: بیدار کردن این دخنه و یا طرح این مسئله که احکام امام اگر تائید نشوند تمام شده اند، چه مشکلی را حل می کند".

کوتاه سخن، پس از نفی مشروعیت خامنه ای به عنوان "ولی فقیه" اینکه نوبت به نفی شخص "امام امت" رسیده است. دادمه در صن ۸

آرکان مرکزی خرب تردد ایران

شماره ۳۱۲، دوره هشتم،  
سال ششم، ۸ خرداد ۱۳۶۹

## سکه، رایج در جمهوری اسلامی: اتحام زنی ناروا

"نامه مردم" انتشار داده ام و نیازی به تکرار آن نیست. در چنین مواردی معمولاً زندانیان بی کنایه آزاد می شوند. ولی در جمهوری اسلامی که ترور انسانها به سطح دولتی ارتقاء یافته، درست پر عکس عمل می شود. درحال حاضر جان نورالدین کیانوری و دیگر رفقا که زیان به افشاء اعمال خد انسانی سران رژیم کشوه اند در خطر جدی است.

ریسی "دادستان انقلاب اسلامی تهران" در تفسیر گزارش آقای گالیندویل، بدون ذره ای شرم به عمل "دادگاهها و دادسراهای انقلاب با همانکنی و همکاری نیروهای انتظامی و اطلاعاتی" در سرکوب خونین دگراندیشان، انتخار می کند و می گوید با "احکام قوى و قاطع دادگاهها"، "طومار گروهکهای ضد انقلاب بهم پیچیده و امروز واقعاً نابودی و نیستی شان برای داخل و خارج کشور کاملاً روشن و مشخص است.

پوشش این است، اگر آقایان واقعاً هم به این گفته خود اعتقاد دارند، چرا زندانها همچنان از زندانیان سیاسی ایناشه است؟

هم ریسی و هم یزدی سفسطه می کنند و هر دو قانون و قانونیت را به مسخره گرفته اند. رژیم فاقد حیثیت و اعتبار در جامعه است و کار رسوایی آنان به جانی کشیده که روزنامه "ابرار" از قول احمد خمینی می نویسد: "مردم ایران به تدریج اعتماد خویش را نسبت به دستگاه رهبری از دست می دهند". با توجه به این اعتراض، می توان گفت، اظهارات یزدی که ما به آن اشاره کردم هدفی جز فرونشاندن موج نفرت توده ها ندارد.

مثلاً، چندی پیش "جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران" بیانیه ای با امضاء مهندس مهدی بازراگان و عده دیگری از شخصیت های سیاسی ایران منتشر ساخت. در این بیانیه وضع فلاکت بار اجتماعی - اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در ج. ۱. به روشنی تصور شده است. در بیانیه بازهم از اختناق و انصار حاکم بر کشور و سلب آزادیهای دمکراتیک و امنیت عمومی و شخصی مردم و... سخن می رود.

ادame در صن ۲

روز ۲۰ اردیبهشت ماه، یزدی پس از خاتمه جلسه به اصطلاح مشاوران قضائی گفت، "به منظور حفاظت حیثیت و حقوق افراد در جامعه از کلیه ضابطین دادگستری، اعم از پلیس قضائی، سپاه و کمیته به طور رسمی خواسته شده است تا قبل از اعلام حکم نهایی دادگاه دریاره متمم هیچگونه مطلبی از طریق رسانه های گروهی غیره پخش نکنند".

این فرمان یزدی، حتی اگر به آن عمل شود، ابتکار جدیدی نیست. دولتهاي که از تقدن و فرهنگ بوئی برده اند و گوشی چشمی هم به قانون و حقوق پسر دارند، این موازنین حقوقی - اخلاقی را مدتی های مددی است که موبایل مو رعایت می کنند. در اینکه کشورها هیچ فردی را، تا زمانی که اتهامش در دادگاه ذیصلاح و با حضور وکلای مدافع و مراجعت کلیه موازنین حقوقی مورد پذیرش جهانیان (نه بی دادگاهیهای شرع در ریم ج. ۱) به ایات نرسد، می توان مجرم شناخت. ضرورت مراجعت این اصل به اندازه ای روشن است که حتی تدبیم کنندگان قانون اساسی ج. ۱. قادر به نادیده گرفتن آن شدند و ماده ای در این باره در آن گنجانند. اما، وجود این ماده در قانون اساسی مانع از آن نشد تا خمینی و پارانش پس از سازمان دادن پورش فاشیستی به حزب توده ایران، بلافاصله طی مصائب های متعدد مطبوعاتی و رادیو - تلویزیونی، کادرها و اعضا و حتی هواداران حزب را به "جاسوسی" متهم نکنند، اتهامی که تاکنون، یعنی پس از گذشت سالیان دراز کوچکترین سند و مدرکی در باره ایاتش ارائه نشده است. آنها با این عمل شد انسانی و ضد اخلاقی خود هم قانون اساسی و هم ابتدائی ترین موازنین حقوق بین المللی را نیزها گذارند. البته اینکه شیوه های فاشیستی قبل از توده ایها در مورد دیگر سازمانهای سیاسی به موقع اجرا گذارده شده بود.

پس از گذشت زمان، آن گروه از زندانیان سیاسی که هنوز قریبی رژیم ضد خلقی "ولایت فقیه" نشده اند با استفاده از خسرو آقای گالیندویل، ماینده حقوق بشر سازمان ملل متحد در ایران، صریحاً اعلام کردند که اتهامات واردہ به آنها فاقد کوچکترین یا هیچ حقوقی است. در این مورد ماء، اظهارات رفیق کیانوری را در

ادامه گزارش هیئت سیاسی به کمیته مرکزی حزب توده ایران  
مدل تسریع رشد نیروهای مولده در شرایط مشخص - تاریخی کشور ما،  
از دیدگاه حزب توده ایران  
ص ۲، ۴، ۶ و ۵

برقرار باد "جبهه آزادی و صلح" ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

## از این قدرت چگونه باید استفاده کرد؟

جدول زیر نشانگر آنست که کشورهای صادرکننده نفت عضو "اویک" در پالایش موضع ضمیمه در مقایسه با قدرت عظیم ذخایر نفتی دارند. آنچه برای ما حائز اهمیت بوده و هست و خواهد بود، وضع آنچه صنایع نفت کشورهای است. ما بارها در این زمینه نوشته‌ایم و راه بروز رفت را نیز نشان داده‌ایم. جدول زیر همچنین نشان می‌دهد، در حالیکه کشور ما از لحاظ ذخایر نفت و گاز در میان ۱۰ کمپانی بزرگ جهان سرمایه داری مقام اول را دارد، قدرت پالایش آن حتی کمتر از قدرت مشابه در ونزوئلا، عربستان سعودی و کویت است. اگر در سال ۱۹۸۸، کویت از ۱۵۱۳ هزار بشکه نفت تولید شده در روز ۹۰۳ هزار بشکه آن را تصفیه کرده و به فروش می‌رساند، ایران از ۲۲۰۵ هزار بشکه نفت خام فقط فروخت. باید خاطرنشان ساخت که به علت تغییر پالایشگاه‌های ایران در زمان چندگاه، کشور ما سالها به وارد کننده صدۀ فرآورده‌های نفتی تبدیل شده بود. اکنون نیز بخش قابل توجهی از نفت خام ایران در پالایشگاه‌های دیگر کشورها تصفیه می‌شود و ملا بخشی از آن به عنوان منبعه تصفیه در اختیار کشور دارند پالایشگاه قرار می‌گیرد.

ما می‌توانیم وصولاً باید از این قدرت عظیم طبیعی به سود رشد اقتصادی و اجتماعی کشور، تامین یک زندگی نسبتاً مرتفه برای دهها میلیون انسان محروم، برای ایجاد کار و نیز برای تهیه مواد اولیه و کالاهایی که هم اکنون از خارج و در مقابل پرداخت ارز خارجی وارد می‌کنیم، استفاده کنیم. نفت خام تصفیه شده در داخل، حتی کمتر از میزان کوئی آن، می‌تواند به متین درآمد ارزی خیلی بیشتر تبدیل گردد. اما، رسیدن به هدف یک شرط دارد، استقرار یک حکومت دمکراتیک تابع اراده خلق.

زمینه، اختلالهای سیاسی و ... نقش مهمی دارد. برای اینکه به قدرت فوق العاده کشورهای عضو "اویک" بی برم، به ذکر ارقامی چند می‌پردازم. ذخایر نفت کشف شده در عربستان سعودی به ۵۰ میلیارد بشکه بالغ است که این سال دیگر می‌توان به استخراج نفت در این کشور ادامه داد. برای مقایسه می‌توان گفت کل ذخایر نفت در اختیار انصارهای ایالات متحده که طی سالیان دراز می‌گذند، تعداد آنها به ۱۴ انصار کاهش یافته است. از ۳۰ هرکت بزرگ در فورست نامبرده می‌شود که شرکت‌های نفتی عربستان سعودی، کویت، ایران، عراق، ونزوئلا، امارات متحده عربی و لیبی بزرگ آنها هستند. سهم این کشورها در مجموعه ذخایر نفت و گاز کشف شده در جهان به ۷۰ درصد می‌رسد.

هفته نامه با درنظر گرفتن خاصیت‌های اقتصادی کمپانی "سعودی آرامکو" (عربستان سعودی) را در مقام اول قرار می‌دهد. مقامهای چهارم و پنجم و دهم را نیز کشورهای عضو "اویک" به ترتیب ونزوئلا، ایران و کویت اشغال کرده‌اند.

چنانکه می‌دانیم عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو "اویک" (مجموعاً ۱۳ کشور) بزرگترین صادرکننده نفت خام به بازار جهانی هستند. اما، این کشورها در رشته پالایش نفت سهم اندکی دارند. مثلاً، در سال ۱۹۸۹ سهم همه کشورهای اویک در تولید فرآورده‌های نفتی از ۱۴/۳ درصد از کل تولید بجاوی نمی‌کرد. باید خاطرنشان ساخت برخی از کمپانی‌های نفتی کویت و عربستان سعودی توانسته اند موقتی بزرگی قدرت خود را در بازار جهانی فرآورده‌های نفتی تحکیم بخشند.

وجود ذخایر عظیم نفت در بسیاری از کشورهای عضو "اویک" به آنها امکان می‌دهد تا نقش تعیین کننده در بازار نفت و گاز جهانی ایفا کنند. اما برخلاف ادعای پاره‌ای از کمپانی‌های نفتی آمریکائی اویک هنوز توانسته از قدرت خود بهره گیرد. در این

منظور ما از "قدرت" این بار، قدرت مالی ظیم طبیعی، یعنی متابع نفت در ایران و دیگر کشورهای عضو سازمان "اویک" است. اغیراً هفت نامه "پترولیوم انتلیجنس ویکلی" فورست ۵۰ کمپانی بزرگ نفتی جهان را منتشر ساخت. کمپانی‌های ۲۴ کشور از آنچه انصارهای ایالات متحده که طی سالیان دراز بازار جهانی نفت را زیر نظر داشتند در این فورست می‌گذند. تعداد آنها به ۱۴ انصار کاهش یافته است. از ۳۰ هرکت بزرگ در فورست نامبرده می‌شود که شرکت‌های نفتی عربستان سعودی، کویت، ایران، عراق، ونزوئلا، امارات متحده عربی و لیبی جزء آنها هستند. سهم این کشورها در مجموعه ذخایر نفت و گاز کشف شده در جهان به ۷۰ درصد می‌رسد.

هفته نامه با درنظر گرفتن خاصیت‌های اقتصادی کمپانی "سعودی آرامکو" (عربستان سعودی) را در مقام اول قرار می‌دهد. مقامهای چهارم و پنجم و دهم را نیز کشورهای عضو "اویک" به ترتیب ونزوئلا، ایران و کویت اشغال کرده‌اند.

چنانکه می‌دانیم عربستان سعودی و دیگر کشورهای عضو "اویک" (مجموعاً ۱۳ کشور) بزرگترین صادرکننده نفت خام به بازار جهانی هستند. اما، این کشورها در رشته پالایش نفت سهم اندکی دارند. مثلاً، در سال ۱۹۸۹ سهم همه کشورهای اویک در تولید فرآورده‌های نفتی از ۱۴/۳ درصد از کل تولید بجاوی نمی‌کرد. باید خاطرنشان ساخت برخی از کمپانی‌های نفتی کویت و عربستان سعودی توانسته اند از طریق سرمایه‌گذاری‌های زیاد موافق خود را در بازار جهانی فرآورده‌های نفتی تحکیم بخشند.

وجود ذخایر عظیم نفت در بسیاری از کشورهای عضو "اویک" به آنها امکان می‌دهد تا نقش تعیین کننده در بازار نفت و گاز جهانی ایفا کنند. اما برخلاف ادعای پاره‌ای از کمپانی‌های نفتی آمریکائی اویک هنوز توانسته از قدرت خود بهره گیرد. در این

### مشخصات پرشی از کمپانی‌های بزرگ

کمپانی-کشور	دریافتی (به میلیون دلار)	سود خالص (به میلیون دلار)	سرمایه‌اصلی (به میلیون دلار)	ذخایر (به میلیون بشکه)	تولید (به هزار بشکه)	قدرت پالایش (به هزار بشکه در روز)	فرآوردهای نفتی
عربستان سعودی	۲۴۰۰	...	...	۲۵۲۲۸۴	۲۹۶۵۹	۵۴۱۴	۱۴۶۸
رویال-داج شل (انگلستان)	۸۷۲۹۴	۵۲۲۴	۸۵۲۸۰	۸۸۲۹	۶۰۴۴۸	۱۷۶۲	۲۵۶۴
اکسون(آمریکا)	۸۸۵۶۲	۵۲۶۰	۷۴۲۹۳	۸۶۸	۶۶۰	۱۹۱۹	۲۹۸۵
ونزوئلا	۹۰۰۸	۱۰۱۹	۱۲۹۳۵	۵۸۰۴	۱۶۸۲۶	۲۰۰۱	۱۶۱۳
ایران	۱۲۰۰	...	...	...	۹۲۸۶	۲۲۰۵	۶۱۵
شوردون(آمریکا)	۲۸۸۵۷	۱۷۶۸	۲۳۹۶۸	۲۲۱۷	۱۷۸۵	۲۲۰	۲۲۲۲
بریتانیا پترولیوم	۴۶۱۷۷	۲۲۳۶	۵۲۲۳۶	۷۳۶۹	۱۹۶۹	۱۵۰	۱۹۹۱
پرتابمان(اندونزی)	۱۰۷۵۰	...	...	...	۸۶۸	۸۵۱	۷۲۹
عراق	۱۲۷۰۰	...	...	...	۱۰۵۰	۲۷۱۲	۲۶۵
لیبی	۶۹۰	...	...	...	۲۸۰۰	۹۲۷	۴۲۲
کویت	۱۲۲۳۴	۴۲۳	۲۱۶۹۲	۹۶۰۲۵	۸۱۰۷	۱۰۱۳	۹۲۰

منابع: "پترولیوم انتلیجنس ویکلی"، ۱۲ دسامبر ۱۹۸۹؛ "اشنگتن پست" ۱۹۸۹؛ "نیویورک تایمز" ۱۲ دسامبر ۱۹۸۹

توده ایران نیست و در بر همان پاشنه سابق نمی‌چرخد؟ رئیس حق دارد از آزادی مانند جن از بسم الله بترسد. زیرا آزادی معنای جز مرگ است بتداد ندارد. سیاست ترور و اختناق و سرکوب فقط برای مدت کوتاهی می‌تواند موثر باشد. مجریه کشور خود ما نشان داد که وقتی خشم و نفرت توده های میلیونی اوج گیرد هیچ نیروی را بیارای مقاومت در برابر آن نخواهد بود.

کند که گویا از کمک سازمان سیا برخوردار هستند و از شورایمالی قضائی می‌خواهد تا مجازات سختی برای "لیبرالها" و ملی "گراها" تعیین و مشخص کند. باید از آنایی پروردی پرسید: آیا "اتهام" نویسنده‌گان بیانیه در دادگاه مصالح به اثبات رسیده که روزنامه "جمهوری اسلامی" متعلق به جانشین "امام" است؟ این چنین گستاخانه عمل می‌کند؟ آیا شیوه ای که اکنون در مورد آقای مهندس بازرگان و دیگر شخصیت‌های سیاسی بکار برد می‌شود، تکرار همان شیوه پیشکشته اعمال شده درباره اعضاء حزب

## سکه رایج در ...

اینها حقایقی است که همه نیروهای ایوزیسیون آنها را مطرح کرده و می‌کنند. عکس العمل پزدی و یارانش چکونه است؟ این آقایان خواهان مجازات نویسنده‌گان بیانیه هستند.

روزنامه "جمهوری اسلامی" طبق معمول از حریه زشت و مطرود برجسب و تهمت و اقترا استفاده می‌کند و آنایی بازرگان و یارانش را متمم می‌

ادامه گزارش هیئت سیاسی به پنجم کمیته مرکزی حزب توده ایران

# مدل تسريع رشد نیروهای مولده

## در شرایط مشخص - تاریخی کشور ما،

### از دیدگاه حزب توده ایران

رقا

و پرورش تغییر بنیادی بوجود آورم و ساختار آموزشی و فرهنگ عمومی را برای افزایش بضاعت علمی و فنی دگرگون سازم.  
 حزب ما تجهیز و تشکل توده ها برای نجات کشور از ورطه ورشکستگی را وظیفه عمدۀ خود می دارد. بنابراین باید مشی سیاسی خود را بر مبنای محاسبه دقیق و عینی وضع مردم کشور استوار سازد. تأثیر فعالیت سیاسی حزب، با وحدت استراتژی و تاکتیک معین می گردد. این وحدت باید با انعطاف پذیری تعیین راه رشد اجتماعی - اقتصادی و طرق پیداکردن مشی حزب در این زمینه توأم باشد. لین می گفت حزب طبقه کارگر باید به هنگام تعیین مشی سیاسی خود هم مجربه کشورهای دیگر را در نظر گیرد و هم "قام نیروها، گروهها، احزاب، طبقات و توده هائی (را)" که در درون کشور معین فعالیت می کنند، مورد توجه قرار دهد" (آثار منتخب در ۱۲ جلد به زبان فارسی، جلد ۱۰ صفحه ۲۰۸). ما این اصل را در شرایط مشخص - تاریخی کنونی ایران به هنگام طرح نظر خود درباره راهی که باید برای تامین رشد کم و بیش سالم اجتماعی - اقتصادی در پیش گرفته شود مورد توجه قرار می دهیم. حزب ما مخالف نسخه برداری هم از کشورهای سرمایه داری و هم از کشورهای سوسیالیستی است و طوفدار مدل رشد و پروری جامعه ایران است. این مدل باید با ساختار اجتماعی، و با سنن و فرهنگ ایرانی همخوان باشد و با بهره برداری از همه امکانات داخلی و خارجی، ما را برای دستیابی به استقلال واقعی اقتصادی، تا آنجا که در شرایط کنونی بین المللی شدن مرچه بیشتر تولید در جهان امکان پذیر است، رهمنون سازد.

حزب ما سالها پیش با تحلیل علمی، اصطلاح "سرمایه داری وابسته" را درباره رشد اجتماعی - اقتصادی ایران پکار برد. هدف "سرمایه داری وابسته" تحمیل شده از جانب امپریالیسم، حفظ و ایس ماندگی اقتصادی است. انحصارهای فرامی با تحمیل این مدل رشد موجبات قطع پیوندهای داخلی بخش های تولید اقتصاد ملی را فراهم می آورند. انقلاب بهمن ۵۷ بخطار خیانت سران و ایسکرای جمهوری اسلامی به آماجهای این انقلاب، نه تنها توانست به این مدل نواستعمر یا پایان دهد، بلکه جامعه را به ورطه بحران ساختاری می کشاند. بحران ساختاری کنونی محصول مستقیم سیستم سیاسی حاکم است. این سیستم در شرایط کنونی، دیکتاتوری فردی و رژیم خودکامه را در اشکال مختلف تشید می کند. بنابراین، شرط نحس انتخاب هرگونه مدل تامین رشد مؤثر اجتماعی - اقتصادی، پایان دادن به سیستم سیاسی حاکم است.

علت عدمه وابستگی اقتصادی در دوران حاکمیت رژیم شاه، فقدان صنایع مادر و کلیدی و واپس ماندگی تکنولوژیک بود. این روید امروز هم ادامه دارد. ساختار صنعتی ایران نه تنها نسبت به گذشته تغییری نکرده، بلکه از جنبه های منفی ناهمجارت هم شده است.

ما تصویری از مشکلات عظیم اجتماعی - اقتصادی کشور در آستانه ورود بشیرت به هزاره سوم ترسیم کردیم. ما گفتیم که در دوران استناده از تکنولوژی پیشرفت، میهن ما در رده عقب مانده ترین کشورهای جهان قرار دارد. در نیم قرن اخیر رژیم های حاکم، ما را فرستنده از تحولات تکنولوژیک کنونی جهان دورنگه داشته اند.

در حالیکه کشورهای رشد یافته صنعتی برای توسعه اقتصادی از شمارگرهای الکترونی و "هوشمند"، مواد خام مصنوعی، نورشناسی الایافی، ریوت ها، بیوتکنولوژی، انفورماتیک و ... بهره می گیرند، سران رژیم کارخانه از کار اقتاده اتمیمبل سازی تالیوت را برای به اصطلاح توسعه خودروسازی خریداری می کنند و بدین سان حلقة وابستگی را که سالهاست کلوب اقتصاد ملی، را می فشارد، تنکر می کنند.

ما نشان دادیم که در مرحله دوم انقلاب علمی و فنی در جهان، صنایع ایران بطور عمدۀ در "زنجیره پایانی تولید" قرار دارند، یعنی در بهترین حالت صنایع مونتاژ هستند و به همین دلیل با به اصطلاح توسعه اقتصادی و "رشد صنعتی"، وابستگی کشور به مواد خام و واسطه ای و نیم ساخته رویه افزایش است. مثلاً، اگر سهم واردات اینکونه مواد قبل از انقلاب ۵۰ درصد کل واردات بود، این رقم در سال ۱۳۶۴ به ۶۶/۷ درصد رسید.

بازده متوسط گندم در هر هکتار زمین آبی کشور حتی به دو تن غی رسد که قاعدتاً باید بیش از هشت تن باشد. یا میانگین شیردهی سالانه گاو در ایران از ۷۰۰ لیتر تجاوز نمی کند، در حالیکه این رقم در کشورهای رشد یافته به بیش از ۴ هزار لیتر بالغ می شود. بضاعت علمی و فنی ما در سطح نازلی قرار دارد. دستاوردهای علمی و فنی م برای تولید صنعتی هم تولید کشاورزی ایران بیکاره است.

ایا می توان به این راه فاجعه بار ادامه داد؟ در ایجاد صنایع کدام راه را باید بیش گرفت؛ صنایع سرمایه بر یا کاربر؟ اصولاً کدام راه رشد می خواهیم بپیمائیم؟ چکونه و با کدام سرمایه مالی و بضاعت علمی؟ به دلیل نبود کالای قابل توجهی جز نفت خام برای صدور به بازار جهانی به منظور دستیابی به ارز و غیرقابل رقابت بودن کالاهای تولید شده در صنایع موتزار از طبق مدل رشد اقتصادی تحمیل شده از جانب امپریالیسم، وابستگی ایران به انحصارهای فرامی را تشدید کند، ما دچار مشکلات مالی عظیمی هستیم.

ما نیاز به ایجاد صنایع کلیدی و مادر و صنایع سبک در رشته های مورد احتیاج کشور داریم و باید افزایش تولید کشاورزی را در سرلوحة برنامه رشد قرار دهیم. ما باید همراه با گسترش هرچه بیشتر زیرساخت (انفراسترکتور) برای رشد تولید صنعتی، مسائل عظیم اجتماعی روستا را حل کنیم و زیربنای مادری برای افزایش تولید ایجاد کنیم. ما باید در آموزش

دست اندکاران و سران مرتجم رئیم جمهوری اسلامی انتقال یافته است. بی شک اندکی نیز صرف ایجاد "صنایع، البته صنایع وابسته شده است.

باتوجه به آنچه که گفتیم، پلنوم کمیته مرکزی باید مسئله پس مهم برونو رفت از وضع فاجعه بار اجتماعی - اقتصادی کنونی را بررسی کند.

مسلمان در انتخاب مدل رشد باید از تجربه های شکست خورده در دیگر کشورها پند گرفت. در حال حاضر، از دو مدل عده در پرخی از

کشورهای مترقی "جهان سوم" استفاده می شود. مدل نخست، تسريع رشد صنعتی در شرایط بالاترین سطح نرخ ابیاش سرمایه (در مواردی ۴۰٪ تا ۵۰٪ درصد درآمد ملی) و عدم توجه لازم به مسئله حیاتی رشد تولید

کشاورزی است. این مدل به تشید عدم تناسب در مجموع اقتصاد ملی و سراغم به عقب ماندگی تولید کشاورزی و عرضه خدمات اجتماعی منجر می گردد و مانع بالارتفاق سطح زندگی توده ها می شود. مدل دیگر،

برجسته کردن بنیان از اندازه عرصه اجتماعی و سزاویز کردن سرمایه به این عرصه و نیز زیرساخت صنعتی به منظور به اصطلاح بالابردن بازده کار در آینده است. ما می گوییم به اصطلاح زیرا اینگونه سرمایه گذاری از همان آغاز فاقد هرگونه بازدهی است.

تردیدی نیست که در پایان سده بیستم، ایران غی تواند همان راهی را بپیماید که کشورهای پیشرفتمند صنعتی سرمایه داری پیموده اند. باید مدل جدیدی را برای شرایط ایران جستجو کرد. منظور ما از شرایط فقط

تناسب نیروها نیست، بلکه همچنین باید بضاعت علمی و فنی، سن و آداب و رسوم، درجه رشد فرهنگی و دهها عامل دیگر تأثیرگذار بر رشد اقتصادی را در نظر گرفت. باید از مدل رشد یکجانبه (صنعتی یا

کشاورزی) پا را فراتر گذارد و به مدل فراگیر و مه جانبه رشد روی آورد. این رشد حتما باید انسان را در مرکز توجه قرار دهد. در غیراین صورت با شکست روپرور خواهد شد.

دست اندکاران اقتصادی در جمهوری اسلامی می نویسند که به هنکام تغییر برنامه عمرانی توانسته اند مشکلات زیر را فرموله کنند:

- رکود شدید سال های اخیر و کاهش زیاد درآمد سرانه؛

- واپسگردی شدید اقتصاد کشور به درآمد ارزی نفت و آسیب پذیر بودن اقتصاد کشور به علت عدم ثبات در بازارهای جهانی نفت؛

- بیکاری گسترده، توانایی تورم و تغییرات هشداردهنده الکوئی توزیع درآمد؛

- عدم تعادل بین درآمدها و هزینه های دولت؛

- عدم کنایت سرمایه گذاری؛

- ضعف مدیریت توسعه و نظام اجرائی - فنی؛

- کمبود قابل توجه متخصصان و کارشناسان طراز اول؛

- گسترده تر شدن ابعاد مشکلات اجتماعی - فرهنگی؛

- عدم توازن بین عرضه و تقاضای انرژی و کمبود شدید انرژی.

اگر رشد سرعی جمعیت را به آنچه گفته شد بیفزاییم، مشکلات بزرگی که در برابر جامعه قرار دارد و حزب ما نیز بنویس خود، موظف به ارائه راه حل برای آنهاست، روشن خواهد شد. این مشکلات را با طرح مسائلی از قبیل ضرورت بالابردن تولید ناخالص ملی سرانه و یا افزایش میانگین سرانه درآمد ملی و ... غی توان حل کرد. باید یک مدل مشخص و معین برای فقردانی، بالابردن سرعی سطح اشتغال و تامین نیازهای اساسی محرومان انتخاب کرد.

ما ضمن آنکه مختلف سیاست و پیرانگر امپریالیسم در اقتصاد کشور هستیم و با آن مبارزه می کنیم. اما، برآنیم که تباید در جهان یکپارچه و به هم پیوسته امروز به اتخاذ سیاست "ازدواج" متولی شد. مدل رشد موردنظرما، ایجاد مناسبات مقابل و برابر حقوق فنی و بازارگانی و علمی با همه کشورهای جهان را ضرور می شمارد. ما معتقد به یافتن زبان مشترک در مسائل سیاسی از طریق سازش نیز هستیم. اما، باهرگونه واپسگردی، اعم از اقتصادی و سیاسی، به معنی واپسگردی نواستعماری، دره رشکل آن، مخالفیم. ما "غرب زدگی" را که پیش زمینه، واپسگردی است رد می کنیم، نه استفاده از تکنولوژی و حتی تجربیات غرب را.

موضوع مهم دیگر در ارتباط با انتخاب مدل رشد اقتصادی، چگونگی برخورد با ترکیب و تامین رشد توازن بخش های گوناگون اقتصاد ملی است.

رشد اقتصادی به معنی مجید تولید فزاینده کل تولید اجتماعی است و نقش و اهمیت رشته های مختلف اقتصاد ملی در ایجاد کل تولید اجتماعی، متفاوت است. درصد

بالای نرخ رشد بخش خدمات در کشورهای عقب مانده از لحاظ صنعتی نشانگر

دریاره دولت رقمنجانی نیز بر خلاف انتظاراتی که از جواب دهنگان تلاش می شد به آن دامن زده شود، باید گفت که رئیس جمهور جدید، در سخنرانی "برنامه ای" خود (در ۵ مرداد ماه ۱۳۶۸) در مجلس، هیچ پیشنهاد سازنده ای برای برونو رفت از بحران و ایجاد تحول اجتماعی - اقتصادی طرح نکرد. و بطور کلی باید گفت که در بین محاکم حاکمه و نظریه پردازان خدمتکار آنها برداشت غالب در زمینه راه رشد، پسیار ابتدایی و در بیشتر موارد چیزی جز تکرار مدل نواستعماری نیست. در عین حال نباید این نکته را هم ناگفته گذارد که عناصر و محاکمی نیز در جمهوری اسلامی هستند که پسیاری روندها و بدیده های اجتماعی - اقتصادی را به نسبت ژرف و واقع بینانه ارزیابی می کنند.

۵ بهمن ۶۷ یکی از پژوهشگران اقتصادی در روزنامه "کیهان" نوشت که مدل رشد اقتصادی تدارک دیده از جانب "استکبار جهانی" برای ملت ها دو هدف را تعقیب می کند. نخست تطییم الکوئی تولید و مصرف، طبقی سلیقه و خواست "شورمرقه"، دوم "ادغام داخلی دریازار جهانی و توسعه بازارهای داخلی برای محصولات خوبیش. وی بدرستی نوشت که یکی از ویژگیهای صنعتی شدن از طریق شرکت های فرامی ایجاد صنایع مصری بادام و لوکس در درجه اول برای "طبقات مرقه" است. ویژگی دیگر مربوط به تولید محصولاتی است که ارتباطی یا نیازهای داخلی کشور وارد کننده تکنولوژی تدارد و تنها نقش آنها ایجاد "اشتغال کاذب و موقت" به هدر دادن منابع و "منحرف ساختن زیرساخت صنعتی این کشورها و آلوده ساختن محیط زیست" است.

نتیجه پیاده کردن این مدل در ایران چگونه بوده است؟ طبق محاسبه کارشناسان ایرانی در کمتر از یک ربع قرن، در حدود ۳۰۰ میلیارد تومان سرمایه گذاری صنعتی شده است. همه صنایع ایجاد شده در کل وابسته به مواد اولیه، نیم ساخته و واسطه ای خارجی است. برای نشان دادن ژرفای وابستگی صنایع ایران به جهان خوب، باید خاطرنشان سازیم که در سال های پس از انقلاب، باوجود کاهش سرانه واردات کشور، به علت کمیابی ارز، این رقم از ۵۰۰ دلار کاهش نیافرته است. بخته، رئیس کل بانک مرکزی "در طول ۹ سال بعد از انقلاب" حدود ۶۳ میلیارد دلار برای ورود مواد واسطه ای خرج شده است.

وضع تولید کشاورزی نیز اسفناک است. سهم تولید محصولات کشاورزی در کل تولید ناخالص داخلی از ۲۲ درصد در سال ۱۳۵۹ به ۱۲ درصد در سال ۱۳۶۶ کاهش یافته است. رئیم از اجرای اصلاحات اراضی پیشیداری در روستاهای خودداری کرده است. تشدید فقر در روستاهای به تسریع هماجرت روستاییان ورشکست شده به شهرهای بزرگ کمک می کند. تعداد حاشیه نشینان در شهرها رویه افزایش است واین امر بیکاری را به عظمی تبدیل کرده است.

در چنین شرایطی، نه از رشد واقعی اقتصاد و نه از بالا رفتن سطح زندگی، نی تواند سخنی درمیان باشد. فقر و فلاکت، یکانه محصول اقتصاد وابسته می تواند باشد. کشور ما که در آن تولید صنعتی و کشاورزی در نازل ترین سطح ممکن قرارداده، نمونه برجسته ای در زمینه اعمال سیاست نواستعماری است.

سردمداران رئیم می کوشند تا جمهوری اسلامی را یکی از به اصطلاح مستقل ترین کشورهای جهان معرفی کنند. اما، همه می دانند که کشور وابسته از لحاظ اقتصادی نی تواند دستش در تصمیم گیری سیاسی باز و مدعی استقلال کامل سیاسی باشد. جمهوری اسلامی ایران مانند دوران حکمرانی شاه عمیقا وابسته به بازار جهانی سرمایه داری و در درجه اول به انحصارها و دول کشورهای رشدیاته صنعتی سرمایه داری است. بتوشته مطبوعات مجاز ۸۰ درصد از ۱۳۰ میلیارد دلار درآمد کشور در سال های گذشته به اقتصاد ۱۰ کشور غربی و متعدد آنها تزریق شده است.

این ارقام باید هر ایرانی بی غرضی را به تأمل و دادرد. یکصد و سی میلیارد دلار، ثروت کلانی است. درصورتی که این همه ثروت به سرمایه گذاری تولیدی و زیرساخت صنعتی با جلب تکنولوژی مدرن، اختصاص می یافت لی ده سال امکان آن بود که انواع صنایع را بوجود آورد و گره کور تولید کشاورزی را گشود. اینکه باید پرسید: این ثروت عظیم صرف چه شده است؟ قدر مسلم آن است که ۸۰ درصد آن در مقابل خرد کالاهای ساخته شده و یا واسطه ای و مواد خام به گاومندوخ های انحصارهای فرامی ریخته شده و بخشی نیز به عنوان پورساتاز به حساب های بانکی گروهی از

سرمایه داری در جوامع مشابه ایران قادر به تکرار راهی نیست که سرمایه داری به موقع خود، مثلاً در انگلستان و یا فرانسه، پیمود. گذشته از آن، وابستگی و همپیوندی متقابل جهان در عصر انقلاب علمی - فنی و انفورماتیک با مدل رشد اجتماعی - اقتصادی که انتخاب آن حق مسلم هر خلقی است، دو مقوله کاملاً جدا از هم هستند.

حزب توده ایران با توجه به آنچه که گفته شد ویژه تلاش در درک همه جانبه ساخت جامعه و تناسب نیروها و نیز ضرورت بیرون گیری از همه امکانات مادی و معنوی برای بجای جامعه، وجود سه نوع مالکیت دولتی، تعاونی و خصوصی را در کشور ضرور می داند و عدول از آن را - به دلیل - مباین مصالح ملی می شمارد. ما معتقد قطعی از طریق استفاده مقول و حساب شده از این سه نوع مالکیت می توان در عصر پیشرفت فرهنگ کامپیوتری در جهت رشد اقتصادی و بهبود شرایط زندگی توده ها گامی به پیش برداشت.

برای حزب ما، در شرایط کنونی قبل از هرچیز منافع خلق و سرنشیت کشور مطرح است. ما اعتقاد داریم که حل مشکلات عظیم کنونی فقط و فقط با شرکت ملی خلق امکان پذیر خواهد بود. خلق نیز وقتی داوطلبانه گام بر عرصه پیشبرد سیاست اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی خواهد گذاشت که ساختار سیاسی دیگرگون گردد. لذا در این شرایط مشارط طرد کردن رژیم "ولایت فقیه" به مشابه عامل عمدۀ سر راه رشد نیروهای مولد اهمیت ویژه کسب می کند.

اصرار ما برای درنظرگرفتن و پژوهیهای کشور در مرحله تعیین مدل رشد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی، زائیده درک این واقعیت انکارناهای دیر است که بدون کسری هرچه بیشتر طبق نیروهای محركه جنبش ضد رژیم می توان هیچ کامی به پیش برداشت. به این علت، ما یک مدل اقتصادی دارای خصلت ملی و دمکراتیک، تکرار می کنیم دمکراتیک، مرکب از بعض های دولتی، تعاونی و خصوصی را مناسب ترین مدل مرحله کنونی تشخیص می دهیم.

ما بلاгласله پس از انقلاب بهمن ۵۷، به هنگام نظرخواهی از جانب دست اندرکاران تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی مدل پیشنهاده اقتصادی را پیشنهاد کردیم و پیشنهاد ما بدون کم و کاست به تسویه رسید.

البته با خیانت سران مرتعج رژیم کنونی تشخیص می تواند داشته باشد. حزب اصل آنچنان که ما در نظر داشتم حقق نیافت. اصولاً، تحقق اصل پیشنهادی ما فقط در شرایط طبقات و لایه های اجتماعی کوئنگون، امکان پذیر است. از این دیدگاه شاید کان معتقد پلورالیسم اقتصادی پیشنهادی مرتباً توده ایران در شکل مدل سه مالکیتی بدون پذیرش پلورالیسم سیاسی بی شر خواهد بود.

استبداد در هر شکل آن سد عده رشد نیروهای مولده است. رشد جامعه ما، در درجه اول نیاز به دمکراسی دارد. دمکراتیزه کردن همه شئون سیاسی - اجتماعی و اقتصادی کشور، شرط عده و لازم بردن رفت از بحران ساختاری کنونی است. راه دیگری وجود ندارد.

حزب ما، در چهارچوب مدل سه مالکیتی، طوفدار وجود بعض دولتی دمکراتیک است. بدون وجود این بعض، ما نی توانیم کام های آن انقلاب، این جهت رشد آن صنایعی برداریم که بعض خصوصی حاضر به سرمایه گذاری در آن نیست. البته این نظر نباید به هیچ وجه به معنی طرفداری از رشد بی کنترل مالکیت دولتی تلقی کردد. مدل پیشنهادی ما، پنهانکه گفته، در عین مخالفت با افزایش قدرت نامحدود اقتصادی دولت، مخالف حاکمیت مطلق بعض خصوصی سرمایه داری در اقتصاد نیز نیست. ما، طرفدار بی چون و چرای مالکیت تعاونی و گسترش هرچه بیشتر آن مستیم. در اینجا نیز معتقد که به میچ و چه نباید شرکت در تعاونی ها را به یک آنی تبدیل کرد. احترام به مالکیت های خصوصی خانوادگی نیز یکی از عناصر عده مدل پیشنهادی ماست.

در تعیین مدل رشد اجتماعی - اقتصادی در شرایط شخص - تاریخی ایران بطور قطع باید عوامل موفر در پیشرفت - اگر ما واقعاً خواهان آن هستیم - در نظر گرفته شود. هر حزب و سازمانی با هر ایدئولوژی باید به تناسب نیروها در جامعه توجه کرده، تزدیکترین و مورد قبول ترین راه پیش توده ها را پیدا کند.

در جامعه ما مناسبات سرمایه داری حاکم است. این مناسبات تحت تاثیر اصول ناشی از رژیم "ولایت فقیه" توانست رشد موزون داشته باشد. پیومن سنتی روحانیت حاکم با بازار و یا ایدئوژی تر گفته باشیم با بازرگانان، رشد سرمایه داری را میتووب کرد. بورژوازی تجارتی در جامعه چیره گشته و خدمات در مقایسه با

تولیدات صنعتی و کشاورزی رشد بی سابقه یافت. این وضع ساختار اقتصاد ملی را بکلی از هم پاکشید. تمرکز سرمایه های کلان در دست عده قلیلی از تجار بازار وهدایت آن به سوی اختصار و دلالی و بازرگانی و نیز ۸ سال چنگ ضربه ای مهلك بر بنیه اقتصادی کشور وارد آورد.

هر حکومت آلترناتیو قطع و فقط با تکیه بر خلق می تواند به موجودیت خود در دوازدمت ادامه دهد. از این رو، حامل داخلی از اهمیت درجه اول برخوردار است. علاوه بر عامل داخلی، عوامل خارجی نیز باید در تعیین مدل رشد، مورد توجه قرار گیرد.

وایس ماندگی کل اقتصاد ملی است. ما باید چنان مدلی پیدا کنیم که بتواند دویخش عده و به گونه ای جدایی نایاب وابسته، یعنی صنایع و کشاورزی را رشد دهد. در شرایط ویژه کشور ما که افزایش جمیعت آهنج رشد سریع دارد، افزایش کل تولید، بطور عده با رشد تولید کالا در رشته صنعتی و مواد غذایی در تولید کشاورزی بستگی دارد. بدیگر سخن، ما باید مدل رشد تولید کشاورزی را به موازات رشد صنعتی در خدمت کشاورزی انتخاب کنیم.

فاکته پیداست که برای تامین تقدیم ۵۴ میلیون ایرانی، نیاز مبرم به تغییر بنیادی ساختار تولید کشاورزی و در وهله نخست، حل مسئله ارضی از طریق اصلاحات ارضی بنیادی است. در زمینه رشد صنایع نیاز مبرم به سرمایه و آنهم سرمایه هنگفت است. از این نظر، جلب سرمایه آنراشته شده در دست بخش خصوصی به امور تولیدی در اوضاع و احوال کنونی اهمیت ویژه ای کسب می کند.

حزب توده ایران همیشه منافع حیاتی توده های زحمتکش را در مد نظر داشته است. ما، در راه آزادی زحمتکشان و استقرار حاکمیت آنان مبارزه می کنیم.

این هدف غایی ماست و ما هیچگاه آن را نهان نمکردیم. اما، در عین حال ما صریحاً می گوییم که برای رسیدن به این هدف باید راهی پسیار طولانی را پیمود. بدیگر سخن، باید از مراحل گوناگون گذر کرد. تعداد این مراحل چگونه خواهد بود - کم و یا زیاد - قابل پیش بینی نیست و پیومن ناکستی با تناسب شخص دارد. بجایست رشد اجتماعی - اقتصادی، رشد فرهنگی در هر برهه زمانی مشخص دارد.

پنونه کیته مرکزی می بوده و آشکارا اعلام کند که در شرایط کنونی، برای ایران ساختمان جامعه سوسیالیستی در دستور روز قرار نمی گیرد آن هم به این دلیل که هنوز پیش شرط ها و زمینه های عینی و ذهنی ضرور در جامعه ایران وجود ندارد. به باور ما بحث پیرامون هژمونی پرولتاریا و یا ایجاد جمهوری دمکراتیک خلق با مضمون و محتوای شناخته شده و اتنوع نظرات مشابه در شرایط کنونی ایران فاقد پایه منطقی است و ضرورتاً جز چه گرانی مفهومی نمی تواند داشته باشد. حزب

توده ایران باید با درک شرایط مشخص - تاریخی جامعه، میان مرحله رشد اجتماعی - اقتصادی در حال حاضر با سمت کلی رشد آن فرق گذارد. باید فراموش کرد که تصریح رشد نیروهای مولد نیاز مکنون کشور، بدون ایجاد شکل سازماندهی تولید منطبق با شرایط کنونی و همچون با سطح رشد اجتماعی - اقتصادی موجود، نمی تواند به نتیجه مطلوب برسد.

سیر رویدادها در ایران و جهان خواهان تحلیل واقع بینانه از واقعیات موجود و تیجه گیری صحیح و منطقی و بدون ت usurp ایدئولوژیک است. ما می گوییم و اصولاً معتقدیم که بلطف کارگر و حزب مدافع آن، در اوضاع و احوال کنونی کشور باید، قبل از هرچیز، مدافعان خلق را می تواند داشته باشد.

البته ما، با طرح چنین نظری، مبارزه طبقاتی در جامعه را نمی کنیم. درست بر عکس، وقتی ما ضرورت دفاع از منافع همه طبقات و لایه های گوناگون اجتماعی را پیش می کنیم، اصل مبارزه طبقاتی را در نظر داریم. حزب طبقه کارگر اگر تواند ماهیت عملکرد همپیوندی منطبق با لطفه کارگر و بورژوازی و لایه های مختلف عمل کند دریابد و همپیوندی منطبق با لطفه کارگر و مترزوی و منفرد خواهد شد.

واقعیات، از جمله واقعیات اجتماعی واقعیات انسانی ساخته اند. لذا نمی توان آنها را با دورنگ سیاه و سفید نشان داد. رنگارنگی خواست ها و منافع اقتدار و طبقات را باید دید و پذیرفت و به همین سبب نیز باید همه رنگ ها و سایه روشن ها را به دقت تشخیص داد و خط مشی سیاسی خویش را بر واقعیت موجود پیشان گذارد. اگر ما موفق به پیمودن این راه شویم در سیاست کمتر دچار اشتباه می شویم، در غیر اینصورت با مشکلات عظیم رویروازی شد.

اصرار ما برای توجه به ویژگیهای جامعه، پیدا کردن چنان مدل رشد اجتماعی - اقتصادی است که هم منافع زحمتکشان، هم منافع لایه های بینانی و هم مصالح بورژوازی را تامین کند. ما، با ارائه آمار و استاد انکارناهای دیر، وایس ماندگی عمیق اجتماعی - اقتصادی کشور را در مرحله دوم انقلاب علمی - فنی نشان دادیم. کشور ما از قافله تمدن التکنولوژی فاصله پسیار زیاد دارد و این فاصله با گذشت زمان زیادتر هم می شود. این یک فاجهه بزرگ ملی است و به همین سبب پیدا کردن چنان راه بروون رفتی را می طلبیم که راه تامین پیشرفت و منافع همه خلق را هموار سازد.

بررسی وضع جامعه، ما را به این نتیجه محتوم می رساند که راه بروون رفت را تایید در استقرار انحصار مالکیت دولتی بر وسائل تولید جستجو کرد. تجربه کشورهای مشابه ایران و نیز تجربه گذشته کشور ما نشان داده که انحصار بخش خصوصی سرمایه داری بر تولید نیز جز وابستگی به بازار جهانی غرب حاصلی بیار نمی آورد. بنابراین، منطق حکم می کند تا از همه امکانات موجود در جامعه بهره گیری شود.

انحصارهای فراملی می کوشند تا مانند گذشته سرمایه داری وابسته را به ما تحمیل کنند. در مطالعی که پیرامون طرح هیئت سیاسی رسیده، برخی از رفقاء این پرسشن را مطرح می سازند: آیا در جهان دارای وابستگی و همپیوندی متقابل، سرمایه داری غیروابسته می تواند وجود داشته باشد؟ ما کنیم و تکرار می کنیم،

مادنگی، صرف نظر از اینکه این یا آن نیروی سیاسی در انتخابات آزاد اکثربت را بدست آورد، باید محمل و مکانیسم ویژه‌ای بوجود آورد که در سایهٔ عملکردش همه احزاب حق اراده نظر مشورتی داشته باشند. ما ایجاد شورای مشورت احزاب و سازمان‌های حاکم و غیرحاکم را که فقط حق مشورتی خواهد داشت، پیشنهاد می‌کنیم. که قدرت اقتصادی بخودی خود قدرت سیاسی را پشت سرخواهد داشت. برای این نیز کنترل رشد هر سه بخش، به طبقی که هیچیک تواند به قدرت احصاری تبدیل گردد، ضرورت حیاتی دارد. در این مورد باید به بورژوازی که از لحاظ ماهیت متأیل به تأمین قدرت اقتصادی و قدرت طلبی در عرصه سیاسی دارد، توجه جدی مبذول داشت.

مدل پیشنهادی وقتی می‌تواند موقعیت آمیز باشد که هیچ تعیینی برای هیچیک از رشته‌های تولیدی قاتل نشد. شرط مهم دیگر کوشش برای سودآوری هر سه بخش اساسی است. باید همچنین راه معقول و مورد قبول تناسیب میان نقش دولت در تنظیم اقتصاد و نقش بازار را پیدا کرد و یکاریست. هدف عبارت از ایجاد چنان وضعی است که در عین حفظ نقش بخش دولتی در ایجاد صنایع کلیدی، زمینه لازم برای بخش خصوصی نیز بوجود آید. برای دستیابی به این هدف باید برنامه دقیق و معین و مشخص در کلیه عرصه‌ها از آن جمله بازرگانی داخلی و خارجی، تقسیم تولید، منابع نیزه‌منی میان بخش‌ها تنظیم و به موقع اجرا گذارد.

به نظر ما مدل اقتصاد سه مالکیتی برای مدت زمان طولانی طراحی می‌شود. هدف از این مدل عبارتست از فراهم آوردن زمینه برای رشد سریع اقتصادی - اجتماعی در شرایط آرام و مسالمت آمیز.

چنانکه رقا ملاحظه می‌کنند، وظایفی که در برایر نیروهای سیاسی و از جمله حزب ما قرار دارد سترگ است؛ در زمینه سیاسی طرد رژیم تونکراتیک "لاپیت قیمه" بمنظور پیشبرد اهداف دمکراتیک و تحقق شعار آزادی و صلح، در عرصه اجتماعی - اقتصادی مهوار کردن راه رشد اقتصاد ملی به قصد پایان دادن به قفر و فلاکت کنونی، ایجاد کار برای میلیون‌ها انسان، تامین سطح زندگی بهتر برای محروم‌مان جامعه، دگرسازی علمی - فنی از طریق درهم شکستن نظام آموزشی کنونی در همه سطوح و بالاخره نجات فرهنگ ایرانی.

### پیشنهاد به پلنوم:

در خاتمه توجه رقتا را به دویشنهاد هیئت سیاسی (برایه تصمیمات اتخاذ شده، آنهم به اتفاق آراء، در جلسه شهریور ماه هیئت سیاسی) جلب می‌کنیم:

پیشنهاد اول، ما پیشنهاد می‌کنیم که در صورت موافقت پلنوم کمیته مرکزی، با در نظر گرفتن تحولات جهان در سال‌های اخیر و نیز دگرگونی‌هایی که پس از مرگ خمینی در کشور ما روی داده، تغییراتی در برنامه حزب بعمل آید.

پیشنهاد دوم؛ ما پیشنهاد می‌کنیم که در صورت موافقت پلنوم، در اساسنامه حزب بازنگری صورت گیرد و آئین نامه اجرائی ماده ۳۷ در اساسنامه گنجانده شود.

با توجه به پیشنهادات پیشکفته، در صورت موافقت رقتا، باز پیشنهاد می‌کنیم بجای قطعنامه، "برنامه عمل سیاسی حزب توده ایران در کوتاه مدت" براساس گزارش حاضر و نظرات اعضای شرکت کننده تهیه و تصویب گردد.

در این پرونده، نظر به اینکه بحث پیرامون تغییر در برنامه می‌تواند در دستور روز این پلنوم قرار گیرد، هیئت سیاسی پیشنهاد دارد که تهیه طرح برنامه جدید به عهده هیئت رهبری آینده گذارده شود که در جلسه صلاحیت‌دار آینده برای بحث و بررسی مطرح گردد.

ممکن است پیشستد؛ آیا مدل سه مالکیتی، قطع نظر از ترکیب حاکمیت، باید حق حیات داشته باشد؟ پاسخ ما صریح و روشن است؛ آری! ما عیناً براین باورم که گذار از این مرحله درازمدت برای جامعه ما ضروری است، قطع نظر از اینکه کدام نیرو و یا مجموعه نیروهای سیاسی حاکمیت را در دست داشته باشد. به نظرما، هر حاکمیتی که خواهان پایان دادن به واپس ماندگی اجتماعی- اقتصادی کشور باشد، صرف نظر از پایگاه طبقاتی وايدتولوژیک آن باید این راه را در پیش گیرد.

حرف پرس خودداری از شتاب در عرصه تحول اجتماعی - اقتصادی است. در مدل پیشنهادی، بخش دولتی که از لحاظ سنتی در کشور ما همیشه نقش تعیین کننده داشته، می‌تواند یا بهره گیری از امکانات دویش دیگر، رشد ناموزون تولید صنعتی و کشاورزی را تامین کند. باید در نظر داشت که بورژوازی ایران، هم قبل از انقلاب و هم بعد از آن، تابع رژیم‌های دیکتاتوری بوده و پیشگاه تنش سیاسی مستقل و موثر در کشور اینها نکرده است. در چهارچوب مدل سه مالکیتی، هم بورژوازی وهم خرده بورژوازی و هم زحمتکشان باید در اداره تولید و نیز تعیین خط مشی سیاسی نقش معینی اینها کنند. زیرا فقط در این سیاست حکومتی با ثباتی نسبی و مورد پذیرش اکثربت می‌توان بوجود آورد. چنین حکومتی رویای نوین اقتصاد سه مالکیتی خواهد بود و میدون آن امکان عملی کردن مدل جدید می‌تواند وجود داشته باشد.

تامین فعالیت اقتصادی بورژوازی در چهارچوب مدل اقتصادی پیشنهادی به توسعه اجتماعی - اقتصادی - اجتماعی است. در چهارچوب مدل سیاسی محروم کرد. پنایران، حکومت آینده نیز از لحاظ پایگاه حقوق سیاسی محدود کرد. هرچنانچه این هدف می‌تواند هیچیک از نیروها را از اجتماعی پاید محتلط باشد. یک حزب صرف نظر از واستگی اجتماعی اش می‌تواند کشور را به قالله مدنی بشری نزدیک سازد. بهره گیری از نیروی سیاسی و اقتصادی همه طبقات و اشاره جامعه برای نجات ایران از واپس ماندگی ضرورت حیاتی دارد.

بعش تعاونی هموار با کار فردی و خاتمادگی می‌تواند در رشد اقتصادی و تامین عدالت اجتماعی در سطح معینی، تأثیر فراوانی داشته باشد. تعاونی‌ها می‌توانند و باید نقش مؤثری در تولید، هم در شهرها و هم در روستاهای اینها کنند.

اقتصاد سه مالکیتی، یعنی پلورالیسم اقتصادی به مثابه یک واحد عام و کامل با استفاده از امرم‌های موثر دمکراتیک عمل خواهد کرد. وجود چنین سیستمی تأثیر مثبت در مناسبات خارجی بجای گذاردن و آنها را برایه سود و تفاهم متقابل استوار خواهد کرد. در داخل کشور نیز چنین مدلی می‌تواند نقش پسیج گر را اینها کند.

در اینجا باید به یک موضوع مهم دیگر نیز اشاره کرد و آن برخورد حزب به مسئله ارضی است. تحریه گذشته و حال کشور ما نشانگر اهمیت این موضوع در سرنوشت آینده هر دولتی است. برای دهقانان کم زمین و بی‌زمین مسئله اصلاحات ارضی اهمیت فوق العاده ای دارد. بنایران، در این پاره باید حتماً کام‌های حساب شده ای برداشته شود. دهقانان باید صاحب زمین باشند و فقط داوطلبانه و آکاهانه در تعاونی‌های تولیدی گرد هم آیند.

استراتژی سیاسی حزب باید متوجه عملکرد موثر الکوی اقتصاد سه مالکیتی از سوی و ایجاد نهضت همه خلقی به مثابه دفاع سیاسی مدل جدید در چهارچوب پلورالیسم سیاسی از سوی دیگر باشد. به باورما، همه این مسائل بهتر و موثرتر می‌تواند در محدوده یک جبهه واحد نیروهای سیاسی عملی گردد. یکی از وظایف مnde چنین جبهه‌ای عبارت خواهد بود از تامین دمکراسی. این نیز باید یکی از اهداف عمده مبارزه توده ای، باشد.

هر نیروی سیاسی که بخواهد پلورالیسم سیاسی را به یک پرده صوری برای رسیدن به اهداف خود تبدیل کند، مسلماً با شکست روبرو خواهد شد. باید همه احزاب و نازمان‌ها به یک اندازه از موازین دمکراتیک بهره گیرند. تبعیض در مورد هر حزب و سازمانی غیر قابل پذیرش تلقی گردد. چرا که تبعیض ملا به تنش در جامعه منجر خواهد شد که این نیز در آخرین تحلیل عامل عدم ثبات بشمار می‌رود.

به نظرما، برای پیشبرد مدل جدید، یعنی نجات ایران از واپس

می کند. او می گوید: "من قصد نداشت به کارخانه بروگردم، ولی از من خواسته اند که بروگردم". در همین روز، کاریکاتور حاج کرمی با دوشاخ بزرگ کشیده و به دیوار نصب می شود. برایه آخرین اخبار، حاج کرمی روز چهارم بهمن ماه از سفر بازگشته و به کارخانه می رود. کارگران به مضمون دیدن او، شروع به هوکردنش می کنند.

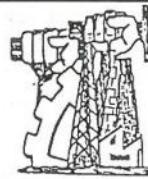
مبارزه کارگران همچنان ادامه دارد و مصمم هستند تا دستیابی به خواستهای پرحقضان از پای نشینند.

## اعتراض موققیت آمیز کارگران صنایع معدنی پارس

در اوایل آذرماه، کارگران کارخانه صنایع معدنی پارس که حدود ۱۰۰ نفر هستند، دست به اعتراض زدند. خواستهای کارگران که در روند مبارزه برقراز و نشیب خود بارها به اشکال گوناگون آنها را طرح کرده بودند، عبارت بود از: افزایش دستمزد، رسمی کردن کارگران قراردادی و تحویل لوازم و تجهیزات اینی.

با شروع اعتراض، کارفرما عده ای از کارگزاران رئیم را به کارخانه فرا می خواند. با حضور آنها، تهدید و ارعاب آغاز می شود. ولی، کارگران تن به تسلیم نمی دهند و حاضر نمی شوند به سرکارخود پازگردند. در این بین، یکی از مقامات به کارگران می گوید: "چرا شما همیشه در یک موقع خاص دست به این کارها می زنید؟ یک بار روز اول ماه مه بود، یک بار موقع رحلت اما و حالا هم که نزدیک انتخابات میان دوره ای است. چه ارتیاطی مابین این اعتراضات و روزهای خاص وجود دارد؟". کارگران در پاسخ می گویند: "به هرحال، مر روز که بخواهیم خواستهای خود را مطرح می کنیم، ممکن است قبل و بعد از آن یک واقعه و یا یک روز خاص باشد. به نظر شما چه موقع ما باید خواستهای خود را مطرح کنیم؟".

اعتراض دو روز بطول می انجامد و سرانجام کارفرما، که خود را با صنوف یکپارچه و عزم راسخ کارگران روپرتو می بیند، به کارگران قول مساعد می دهد و اعتراض پایان می یابد.



از کارخانه ها  
زندگی و  
رژم کارگران

## اعتراض گسترده در کمپرسورسازی

کارگران کارخانه کمپرسورسازی واقع در شهر صنعتی البرز قزوین، تنها تولید گنده کمپرسور پیچمال در ایران، بیش از یک سال است که در گیری هدیدی با مدیریت کارخانه دارند. کارگران خواهان اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و پاداش اضافه تولید هستند. ولی با وجود آنکه کارخانه در سال گذشته حداقل ۹۰ میلیون تومان سود داشته است، مدیریت به خواست کارگران اعتنای نمی کند.

در روند مبارزه کارگران برای دستیابی به خواستهای مشروع و برقخ خود، بارها به شورا مراجعه کرده و درخواست تشکیل جلسه می کنند. ولی شورا جانب مدیریت را می گیرد و خواست کارگران را بدون پاسخ می گذارد. شایان ذکر است که حتی یک بار طوماری به امضاء ۴۷۰ نفر از طرف نهاد ریاست جمهوری، در دفتر ریاست جمهوری تشکیل می شود.

شرکت گنده کان در جلسه به این نتیجه می رسند که اخراج حاج کرمی "به مصلحت نظام و اسلام" نیست و او باید به سر کار خود باز گردد. همچنین مقرر می شود که شورا و اجمن اسلامی و پسیج جهت شناسایی "تحریک گنده کان" در کارخانه با هم همکاری گنده و اسامی آنها را در اختیار سپاه و وزارت اطلاعات قرار دهند. روز بعد تصمیم جلسه مذکور توسط موسوی، یکی از گنده کان شورا و اجمن اسلامی و به آگاهی گنده کان شورا و اجمن اسلامی و به آگاهی کارگران می رسد. کارگران به این تصمیم اعتراض و دست رد برپیشنه آن می گذارند.

فردا آن روز ۵ نفر از کارگران توسط اداره امنیت و اطلاعات سپاه مستقر در شهر صنعتی البرز بازداشت می شوند. روز ۲۱ دیماه کارگران در مقابل کارگری اجتماع می گنند و با شعار "مرگ بر کشاورز"، "مرگ بر آغامی" (کشاورز و آقایی)، دو عضو شورا و اجمن اسلامی و پسیج کارخانه هستند که در جلسه نهاد ریاست جمهوری با مدیریت سازش کرده بودند) و

"مرگ بر بی غیرت" خواهان آزادی همکاران بازداشت شده خود می شوند. روز ۲۲ دیماه، حاج کرمی به کارخانه باز می گردد و همچنان که پیشتر کارگران دستگیر شده نیز آزاد می شوند. کارگران خشمگین کارخانه نیز بلافاصله روی مقواوی بزرگی شعار "مرگ بر کرمی" را می نویسند و در کارخانه نسبت می گذارند. آن روز حاج کرمی از دفتر کارخانه خارج نمی شود.

روز ۲۴ دیماه، حاج کرمی اعضای شورا و اجمن اسلامی و پسیج را فرامی خواند و از آنها به قصد سفر ۱۵ روزه به سوریه خداحافظی

نشریه کار، ارگان کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکبریت)، در شماره ۷۵ خود مطلبی پیشگیری پرونده فروودین ماه ۶۹ کمیته مرکزی حزب توده ایران منتشر ساخته است که در عرف سازمانهای سیاسی جدی، حداقل غیرعادی و نامقبول شمرده می شود.

ما، انتظار داریم که نشریه "کار" به مثابه ارگان یک سازمان طرفدار موافقین پدیدنوسیله ما رسمی اعلام می کنیم که خبر مربوط به "تصمیم هیئت سیاسی" دمکراتیک این توضیح مختصر را در شماره نوبتی خود منتشر نماییم.

## یک تذکر

پکنگار.

است زیرا، اصولا هیئت سیاسی، یک ارگان تصمیم گیرنده نیست، بلکه یک نهاد صرفا اجرایی قانونهای های مصوب کمیته مرکزی است. بنابراین هیئت سیاسی نمی توانست چنین تصمیمی را راسا اتخاذ کند تا چه رسد که به اجرا

نماییم که نشریه "کار" به مثابه ارگان یک سازمان طرفدار موافقین

سابق مبنی بر "طرح علنی نظریات مختلف" مورد استفاده نشریه "کار" ناصحیح

## نامه مردم

نمی توانست، جناح زیرپوشش "امام امت" را به وحشت بیندازد. معزی آذربی قمی به عنوان حامل و یا سخنگوی امپریالیسم که نقش "امام زدایی" خواست "استکبار جهانی" را به عهد کرفته نشانکر واکنش پسیار شدید این جناح است. درواقع جامعه با کنش ها و واکنش های جناح های گوناگون روپرتوست که خواه ناخواه رژیم "ولایت قیمه" را هرچه بیشتر فلاح می کند.

"روزنامه اطلاعات" مقاله ای در ستون "تقد حال" می نویسد: "بهوش باشیم که آب را کل نکنیم و با دلسوزی و حسن نیت سرو شفتشان مثل همان پیروزی متمبد ساده دلی نشود که چهل روز، سحرگاه جلوی خانه اش را آب و چارو می کرد و اشک می بخت تا طبق باورش خواجه خضر به سراغ او بیاید. روز چهلم با خرسی که از چنگل گرفته بود روپرتو شد. داد و فریداش بلند بود. همسایه کان به دادش رسیدند. وقتی آرام شد کفت پدری بدنان بسوزد. چهل روز است بچای اینکه بکوم خواجه خضر، گفته ام خاله خرس. آن پیروزی چنان برسش آورد. اگر دنдан مغلق اتفاقه بود و کلمات و مفاهیم و مبانی را من جوید چه می شد؟".

پرسن جالی است. اما، توپنده سکوت را جایز شمرده. چرا برای اینکه در غیراصولیت می باشد به تزلزل بیش از حد رژیم "ولایت قیمه" اصراف می کرد. اما، ناظران سیاسی در داخل و خارج کشور برآنند که حتی اگر "ددنان های عقل" روحانیون حاکم نیفتد باشد هم آنان قادر به جلوگیری از فریادی رژیم "ولایت قیمه" نخواهد بود. زیرا این رژیم با پیشرفت اجتماعی آنهم در هیان سده بیست در تضاد آشکار است. عقلی که تواند از چهارچوب آحکام و روایات و احادیث "پا را فراتر نمیدهد، خود نشانگر قدان عقل است. به نظر می رسد، در هرم حاکمیت هستند افرادی که دنidan مغلق اتفاقه هستند که هنر تا آنها در مجلاب "ولایت قیمه" غوطه ور نشده اند که سیاه را از سفید تغییر دهند. اینکه افراد باید جمله کنند. قطار "ولایت قیمه" در سراسریب سقوط قرار دارد.

بر زیان آوردن چنین سخنانی به معنای تفسیر میلیونها انسان نیست؟ رژیم "ولایت قیمه" طی بیش از ده سال حاکمیت خود چه حقوق را برای اهالی کشور به ارمغان آورده است؟ آیا کردن زدن محروم، اعدام در ملا، عام، دست و یا بزیدن، سنکسار و ... نیز جزو همان "حقوق پیشرفت" تردد؟ ما پیش از این نیز گفته ایم که طرح مقوله "حقوق پسر اسلامی" و مخالفت با مشوره جهانی حقوق پسر - به مثاله "دست پخت مسیحیان" - فربی بیش نیست. مسائل مربوط به حقوق پسر جهنه عام و جهانی دارد و نیز توان آن را به "مسیحی" و "اسلامی" تقسیم کرد. موازنی که امروزه در جوامع دمکراتیک در زمینه حقوق پسر و آزادیهای فردی حاکم است، از سوی مسیحیان "ساخته و پرداخته" نشده، بلکه محصول تکامل و تمدن انسانی است. در این روند تکاملی، همه انسانها و جوامع - از جمله جوامع اسلامی - از دیرباز تاکنون نتفت خویش را ایفا کرده اند. انسانها طی قرنها به بهای رغبها و دهشت های پسیار و در سایه مبارزه بی وقه و پایدار به این حقوق دست یافته اند و در آینده با احتلاص، هرچه بیشتر فرهنگ عموم پیشی داده این حقوق و آزادی ها نیز گسترش خواهد یافت. بی تردید قضایت تاریخ دریاره رهبران جمهوری اسلامی و حقوق پسر اسلامی انان بهتر از برپاندن کان دستگاه تقتیش عقاید نخواهد بود.

در این صورت نه پرمده، برزنده هایی که به وی باور داشتند باید گریست.

پروپاگندا صاحبان مال و مثال در این "جهان گذرا" بوده و هست زیرا خود نیز در زمرة این "قلم" قوار دارد. او، در گذشته هم وقتی متابع صاحبان فروت بی کران به خطر می افتاد، به "ولایت مطلقه" پشت می کرد. او و پارانش بودند که به موقع خود توصیه های مکرر "امام امت" را با طرح "مسئله مولوی" و ارشادی بودن "نادیده گرفتند و عکس آن عمل کردند. در ارتباط با اظهارات اخیر آذربی قمی، یکی از اصطلاح شایاندگان مجلس به نام اسدالله بیات مخالفت با احکام امام را که حتی در زمان میانه مشاهده می شد، توطئه ای می نامد که طراح اصلی آنها استکبار جهانی و مجری آنها ایادی آن است. به گفته وی اینها دست به دست هم داده، "مخالف جهت گیری نظام و امام" بودند و مدام کارگشتنی می کردند.

تبديل خیانتی به حریه اصلی مبارزه پرسنقدرت را می توان از پیروکیهای مرحله جدید تشید اختلاف بشمار آورد. هواداران "امام" پیخلاف آذربی قمی و پارانش می گویند "با رفتن امام راه و پیامش" فراموش نخواهد شد و حمله به احکام خمینی را "توطئه جدید" برناهه ریزی شده از جانب دشمنان قمی را "توطئه جدید انتقلاب" می دانند. عیسی ولایی به اصطلاح شایاندگان تهران در مجلس می گوید: "... به ذهنمان تغیر نمی کرد که استکبار جهانی و در راس آنها آمریکا به این زودی و قبل از سال امام، اما زدایی را شروع کند و به مقدس ترین اصل پیذریت شده ملت ما یعنی رهبری امامان این چنین ناجاگردانه از تریبونی مقدس که باید در جهت تقویت نظام حرکت کند از زیان فردی که خود را شاگرد امام می داند ... حمله کند". او، "آذربی قمی" را به خاطر موضع گیری های خد و تقدیس، عامل اختلاف و جدایی می داند. اینکه آذربی قمی گفته "حرف های خود ایام دیگر فایده ندارد" و دستور را باید "از رهبری قملی گرفت"،

## سرنوشتم رژیم و ...

زیرا نه احکام وی "اگر تایید نشود، یعنی نه خود خمینی به مقابله مبتکر و مرجح "ولایت قیمه". چه کسی باید احکام خمینی را تایید کند؟ بدون شک جانشین وی، یعنی خامنه ای. اما، خود خامنه ای مورد پذیرش اکثر روحانیون و غیرروحانیون دست اندکار نیست.

بنابراین می توان گفت رژیم با پیک معادله چند مجهولی سروکار دارد. نه احکام خمینی مطلع است. هلت را باید در نظرات آن گروهی جستجو کرد که خامنه ای را به عنوان "رهبر" قبول ندارند و با اصرار و ابرام خواهان تبدیل وصیت نامه خمینی به شی سیاسی - اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و ... رژیم "ولایت قیمه" هستند. در اینجا هم ما با شکل دیگر تشدید اختلاف در درون حاکمیت رهبری و روپرتوی می شویم.

ابتکار اوج گیری مبارزه میان گروهها را این بار

چه کسی به عهد دارد؟ آقای آذربی قمی، ناشر روزنامه "رسالت". وی در سخنرانی نماز جمیع با اظهار اینکه در یک زمان "ولایت مطلقه" برای دو نفر قابل تصور نیست و نی شود که هم "امام خمینی" در حال حاضر "ولایت مطلقه" داشته باشد و هم خامنه ای، در واقع دیدگیری را تعقیب می کرد.

در اینکه در حال حاضر هم خمینی و هم خامنه ای

نمی توانند "ولایت مطلقه" داشته باشند، نیازی به استدلال ندارد. به این دلیل ساده که خیانتی در قید حیات نیست. منظور هواداران خمینی هم این نبود و نیست.

آنها می گویند وصیت نامه خمینی باید برنامه عمل

جمهوری اسلامی باشد. آذربی قمی با طرح ضرورت تایید

احکام خمینی از جانب خامنه ای عمل و وصیت نامه خمینی را آماده قرار داده است.

آیا خمینی به اندازه آذربی قمی از اسلام و رسومات

آن بی خبر بوده و نمی دانسته که وصیت نامه وی پس از

مرگش پیشیزی ارزش نخواهد داشت؟ اگر پاسخ این

پرسش مثبت است (که به گفته آذربی قمی مثبت است)

## حقوق پسر اسلامی ...

ملل، که در آن دشمنان اقلاب و مذاقین رسو شده

اند، مورد حمله قرار داد. دست اندکاران جمهوری

اسلامی با آنچنان "اعتصاد" نیازی به

گالیندوپل استادن می کردند که در شونده خانی

الذهنی، بی هیچ شک و شباهه ای مطمئن می شد که مقاد

گزارش مویه مو در جهت تایید رژیم "ولایت قیمه"

است. آیا این ادعاما وجه مشترکی با واقعیت داشت؟

پاسخ بی تردید منفی است.

هم اکنون تن کامل گزارش ثابت شده ویژه سازمان

ملل در اکثر کشورهای جهان (بجز ایران) انتشار یافته

است. درست است که گزارش مذکور تها کوش

کوچکی از فاجمه انسانی ایجاد شده از سوی رژیم را

بازتاب می دهد، اما حتی همین حد نیز برای محکوم

کردن حاکمیت سرکوبکر جمهوری اسلامی کافی

است. در گزارش از زیان دهها شاهد، که با به خطر

انداختن چان خود به بازگشت حقایق پرداخته اند، با

نقض دائمی و مستمر حقوق پسر در ایران آشنا می

شوم؛ سلول های کوچک با دهها زندانی، شلاق، دستبد

پیانی، سلول انفرادی، مجاوز ... از جمله ایزراهای

زندانیان بی دفاع به کار گرفته اند. دریاره صدھا مورد

اعدام غیرقانونی، که ثابت شده ویژه گزارش های موق